



روزانه ها ...



پیوندها

قلم ها



خانه



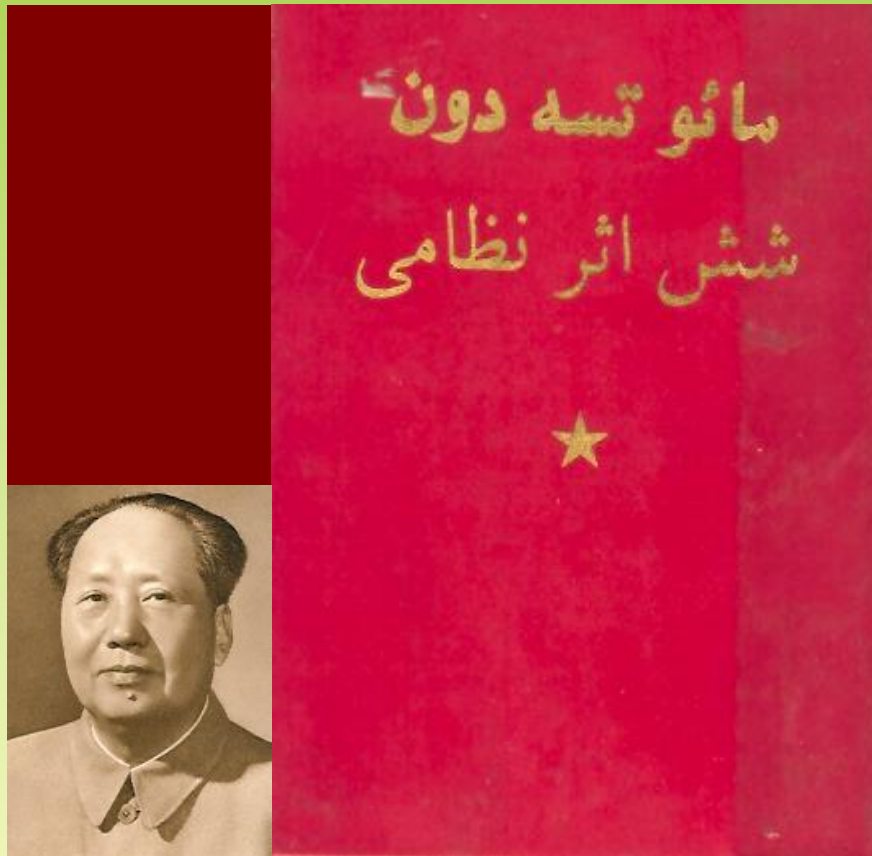
آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به انتقاد ؛ تنها برای خواندن ست و ...



آراد (م.) ایل بیگی **گاه روزانه های دیروز ... و امروز**

465

مائو تسه دون : هدف جنگ برانداختن جنگ است [!؟]



توضیح ناشر

ترجمه فارسی شش اثر در جلد حاضر منطبق است با متنهای اصلی آن از «منتخب آثار مائو تسه دون» که از طرف اداره نشریات «مردم» در پکن منتشر شده است. در برخی از یادداشتهای این آثار بنا باقتضای چاپ زبان خارجی اصلاحاتی بعمل آمده است.

اداره نشریات زبانهای خارجی
پکن ۱۹۶۹

فهرست

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین

| | |
|----|----------------------------------------------------|
| ۱ | (دسامبر ۱۹۳۶) |
| ۱ | فصل اول - چگونه باید جنگ را مطالعه کرد |
| ۱ | ۱ - قوانین جنگ رشد یافته‌اند |
| ۱۱ | ۲ - هدف جنگ برانداختن جنگ است |
| | ۳ - استراتژی مطالعه قوانین مسلط بر وضع کلی جنگ است |
| ۱۳ | ۴ - مهم اینست که بتوانیم یاد بگیریم |
| ۲۲ | فصل دوم - حزب کمونیست چین و جنگ |
| ۳۵ | انقلابی چین |
| ۴۳ | فصل سوم - ویژگیهای جنگ انقلابی چین |
| ۴۳ | ۱ - اهمیت موضوع |
| ۴۷ | ۲ - ویژگیهای جنگ انقلابی چین کدامند؟ |
| | ۳ - استراتژی و تاکتیک ما از این ویژگیها ناشی میشود |
| ۵۵ | |

| | | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|---------------------------------------------------------------------------|-----|
| فصل سوم - شش مسئله مشخص استراتژی در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی | ۲۲۷ | فصل چهارم - عملیات "محاصره و سرکوب" و عملیات ضد "محاصره و سرکوب" | |
| فصل چهارم - ابتکار عمل، نرمنش و نقشه کشی در عملیات تعرضی در جریان جنگ تدافعی، در عملیات زودفرجام در جریان جنگ طولانی، و در عملیات خطوط خارجی در جریان عملیات خطوط داخلی | ۲۳۹ | شکل عمده جنگ داخلی چین | ۵۹ |
| فصل پنجم - همسوئی با جنگ منظم | ۲۵۳ | فصل پنجم - دفاع استراتژیک | ۷۲ |
| فصل ششم - ایجاد مناطق پایگاهی | ۲۵۹ | ۱ - دفاع نمال و دفاع غیرفعال | ۷۲ |
| ۱ - انواع مناطق پایگاهی | ۲۶۳ | ۲ - تدارک برای عملیات ضد "محاصره و سرکوب" | ۸۳ |
| ۲ - مناطق پارتیزانی و مناطق پایگاهی | ۲۶۹ | ۳ - عقب‌نشینی استراتژیک | ۸۹ |
| ۳ - شروط برای ایجاد مناطق پایگاهی | ۲۷۴ | ۴ - تعرض متقابل استراتژیک | ۱۲۶ |
| ۴ - تحکیم و توسعه مناطق پایگاهی | ۲۸۰ | ۵ - آغاز تعرض متقابل | ۱۳۲ |
| ۵ - اشکال که ما و دشمن یکدیگر را محاصره میکنیم | ۲۸۲ | ۶ - تمرکز قوا | ۱۵۶ |
| فصل هفتم - دفاع استراتژیک و تعرض استراتژیک در جنگ پارتیزانی | ۲۸۶ | ۷ - جنگ متحرك | ۱۷۳ |
| ۱ - دفاع استراتژیک در جنگ پارتیزانی | ۲۸۷ | ۸ - جنگ زود فرجام | ۱۸۸ |
| ۲ - تعرض استراتژیک در جنگ پارتیزانی | ۲۹۵ | ۹ - جنگ نابود کننده | ۱۹۷ |
| فصل هشتم - تکامل جنگ پارتیزانی به جنگ متحرك | ۲۹۸ | مسائل استراتژی در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی | |
| فصل نهم - مناسبیت در امر فرماندهی دربارہ جنگ طولانی (م ۱۹۳۸) | ۳۰۵ | (م ۱۹۳۸) | ۲۱۹ |
| طرح مسئله | ۳۱۵ | فصل اول - چرا مسئله استراتژی در جنگ پارتیزانی مطرح میشود؟ | ۲۱۹ |
| پایه و اساس مسئله | ۳۳۹ | فصل دوم - اصل اساسی جنگ عبارتست از حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن | ۲۲۵ |
| رد تئوری اکتیاد ملی | ۳۴۷ | متحرك | |
| سازش یا مقاومت؟ احتیاط یا ترقی؟ | ۳۵۸ | فصل نهم - مناسبیت در امر فرماندهی دربارہ جنگ طولانی (م ۱۹۳۸) | |
| تئوری اکتیاد ملی نادرست است و تئوری پیروزی سریع نیز نادرست است | ۳۶۸ | طرح مسئله | ۳۱۵ |
| چرا جنگ طولانی خواهد بود؟ | ۳۷۳ | پایه و اساس مسئله | ۳۳۹ |
| مراحل سگانه جنگ طولانی | ۳۸۱ | رد تئوری اکتیاد ملی | ۳۴۷ |
| جنگ درآمیخته | ۴۰۶ | سازش یا مقاومت؟ احتیاط یا ترقی؟ | ۳۵۸ |
| جنگ در راه صلح جاودان | ۴۱۵ | تئوری اکتیاد ملی نادرست است و تئوری پیروزی سریع نیز نادرست است | ۳۶۸ |
| نشئ دینامیک انسان در جنگ | ۴۲۲ | چرا جنگ طولانی خواهد بود؟ | ۳۷۳ |
| جنگ و سیاست | ۴۲۷ | مراحل سگانه جنگ طولانی | ۳۸۱ |
| بسیج سیاسی برای جنگ مقاومت ضد ژاپنی | ۴۳۱ | جنگ درآمیخته | ۴۰۶ |
| هدف جنگ | ۴۳۶ | جنگ در راه صلح جاودان | ۴۱۵ |
| | | نشئ دینامیک انسان در جنگ | ۴۲۲ |
| | | جنگ و سیاست | ۴۲۷ |
| | | بسیج سیاسی برای جنگ مقاومت ضد ژاپنی | ۴۳۱ |
| | | هدف جنگ | ۴۳۶ |

- ۴ - چرخش‌هایی در استراتژی نظامی حزب
هنگام جنگ داخلی و جنگ ملی ۵۷۰
- ۵ - نقش استراتژیک جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی ۵۷۶
- ۶ - عطف توجه به بررسی مسایل نظامی ۵۸۴
تمرکز نیروی برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن
- ۵۹۷ (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶)
اوضاع کمونی و وظایف ما (قطعات منتخب ،
فصل ۳۲، ۳۱) (۲۵ دسامبر ۱۹۴۷) ۶۱۱

مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین (دسامبر ۱۹۳۶)

فصل اول

چگونه باید جنگ را مطالعه کرد

۱ - قوانین جنگ رشد یافته‌اند

قوانین جنگ مسئله‌ایست که هرکس که جنگی را هدایت میکند ، باید آنرا مطالعه و حل نماید .

این اثر را رفیق مائو تسه دون بمنظور جمعیتی تجارب دومین جنگ انقلابی داخلی نگاشته و در آکادمی ارتش سرخ در

۱

قوانین ویژه جنگ انقلابی و قوانین ویژه‌ای را که فقط مختص جنگ انقلابی چین است ، نیز مورد بررسی قرار دهیم .

بر هیچکس پوشیده نیست که در هر کاریکه ما میکنیم ، اگر وضعیت ، خصلت و روابط آنرا با اشیاء و پدیده‌های دیگر در نیابیم ، نمیتوانیم قوانین مسلط بر آنرا بشناسیم و بدانیم که چگونه بآن بپردازیم ، و قادر نخواهیم بود آنرا بنحو احسن انجام دهیم .

جنگ که با پیدایش مالکیت خصوصی و طبقات شروع شده ، عالیترین شکل مبارزه برای حل تضادهای

داد ، صحت نظرات رفیق مائو تسه دون را تأیید نمید و مشی نادرست را رد کرد . در اکتبر سال ۱۹۳۵ کمیته مرکزی حزب به شمال شنی انتقال یافت و در دسامبر همان سال رفیق مائو تسه دون گزارشی تحت عنوان « درباره تاکتیک‌های مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن » عرضه داشت و در آن مسایل مربوط به مشی سیاسی حزب را در دوره دومین جنگ انقلابی داخلی بطور منظم حل کرد . یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۶ رفیق مائو تسه دون اثر حاضر را که تحلیل منظمی از مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین است ، برشته تحریر در آورد .

۳

جنگ انقلابی چین علاوه بر قوانین عام جنگ و قوانین عام جنگ انقلابی دارای قوانین ویژه خویش نیز هست . بدون درک این قوانین نیل به پیروزی در جنگ انقلابی چین غیر ممکن است .

بدینجهت ما باید قوانین عام جنگ و همچنین قوانین جنگ انقلابی و بالاخره قوانین جنگ انقلابی چین را مورد مطالعه قرار دهیم .

بعضی‌ها نظر نادرستی دارند که از مدت‌ها پیش از طرف ما رد شده‌است . آنها میگویند : تنها مطالعه قوانین عام جنگ کافی است ، عبارت مشخص‌تر ، تنها پیروی از آئین نامه‌های نظامی که در چین از طرف دولت ارتجاعی و یا آکادمی‌های نظامی ارتجاعی انتشار یافته ، کفایت میکند . آنها درک نمیکنند که این آئین‌نامه‌ها فقط به بیان قوانین عام جنگ میپردازند و علاوه از ابتدا تا انتها از مراجع خارجی نسخه‌برداری شده‌اند و ما اگر آنها را آنطوریکه هست ، بدون هیچگونه تغییری در شکل و مضمون کپی کنیم و مورد استفاده قرار دهیم ، در حکم

۵

قوانین جنگ انقلابی مسئله‌ایست که هرکس که جنگی انقلابی را هدایت میکند ، باید آنرا مطالعه و حل نماید .

قوانین جنگ انقلابی چین مسئله‌ایست که هرکس که جنگ انقلابی چین را هدایت میکند ، باید آنرا مطالعه و حل نماید .

ما اکنون در حال جنگیم ؛ جنگ ما جنگی است انقلابی ؛ جنگ انقلابی ما در چین صورت میگیرد ، یعنی در کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودالی . از اینرو ما نه فقط باید قوانین عام جنگ را مطالعه کنیم بلکه باید

شمال شنی تدوین نموده‌است . بنابراین اشاره مؤلف از این اثر بیش از پنج فصلش به نگارش درنیامده‌است و بعلت گرفتاری هنگام جاده می آن فصلهای مربوط به تعرض استراتژیک ، کار سیاسی و مسایل دیگر برشته تحریر در نیامد . این اثر نتیجه مشاجرات پرداخته و مفصل است که در دوره دومین جنگ انقلابی داخلی در حزب میان دو مشی متضاد بر سر مسایل نظامی در گرفت و بیانگر نظرات یکی از این دو مشی علیه دیگری است . جمله وسیع بوروی سیاسی کمیته مرکزی در ژانویه سال ۱۹۳۵ در روزنامه‌ای به مشاجراتی که بین این دو مشی در گرفته بود فیصله

۳

بین طبقات ، ملت‌ها ، دولت‌ها و گروه‌های سیاسی است که بهمرحله معینی از تکامل رسیده‌اند . اگر ما شرایط جنگ و خصلت و روابط آنرا با اشیاء و پدیده‌های دیگر در نیابیم ، قوانین جنگ را نخواهیم شناخت ، بطرز هدایت جنگ پی نخواهیم برد و قادر به کسب پیروزی نخواهیم بود .

جنگ انقلابی - خواه جنگ انقلابی طبقاتی و خواه جنگ انقلابی ملی - علاوه بر شرایط و خصلت عام جنگ ، شرایط و خصلت خاص خود را نیز داراست . بنابراین جنگ انقلابی ، گذشته از قوانین عام جنگ ، دارای قوانین ویژه خویش نیز هست . بدون درک شرایط و خصلت خاص این جنگ ، بدون درک قوانین ویژه آن نمیتوان جنگ انقلابی را هدایت کرد و آنرا به پیروزی سوق داد .

جنگ انقلابی چین - خواه جنگ داخلی و خواه جنگ ملی - در محیط خاص چین صورت میگیرد و بدینجهت با مقایسه با جنگ بطور اعم یا جنگ انقلابی بطور اعم دارای شرایط و خصلت خاص خود است . از اینرو

این خواهد بود که بخواهیم "با را اوه کنیم تا اندازه کفشی شود" ؛ این کار ما را مسلماً بشکست میکشاند . این اشخاص در توجیه نظر خویش میگویند : چرا ما باید از آنچه در گذشته بیهای خون بدست آمده ، اعراض کنیم ؟ آنها درک نمیکنند که ما گرچه باید بر تجربه‌ای که در گذشته بیهای خون بدست آمده ، ارج نهیم ، ولی از طرف دیگر باید برای تجربه‌ای که بیهای خون خود بدست آورده‌ایم ، نیز ارزش قابل شویم .

برخی‌ها نظر نادرست دیگری دارند که ایضاً از مدتها پیش از طرف ما رد شده‌است . آنها ادعا میکنند که فقط مطالعه تجربه جنگ انقلابی روسیه کافی است ، عبارت مشخص‌تر ، کافی است که ما از قوانینی که جنگ داخلی اتحاد شوروی طبق آن هدایت شده‌است ، پیروی کنیم و بدتبال آن آئین‌نامه‌های نظامی برویم که از طرف ارگانه‌های نظامی این کشور انتشار یافته‌اند . آنها درک نمیکنند که این قوانین و این آئین‌نامه‌ها حاصلت ویژه جنگ داخلی شوروی و ارتش سرخ شوروی را منعکس

۶

میگویند : گرانیهاترین تجربه ، تجربه لشگرکشی بشمال در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۷ (۱) است و ما باید آنرا بیاموزیم ، عبارت مشخص‌تر ، ما باید از لشگرکشی بشمال در مورد پیشروی مستقیم و تصرف شهرهای بزرگ تقلید کنیم . آنها درک نمیکنند که ما در عین اینکه باید تجربه لشگرکشی بشمال را مورد مطالعه قرار دهیم ، نباید آنرا بطور مکانیکی کپی کنیم و بعمل در آوریم ، زیرا در جنگ کنونی ما شرایط دیگر تغییر کرده‌است . ما باید از تجربه لشگرکشی بشمال فقط آن چیزی را بپذیریم که امروز هنوز بکار خوردنی است ، و باید منطبق با وضعیت کنونی چیزی ایجاد کنیم که از خود ما باشد .

بنابر این قوانین هدایت جنگ برحسب شرایط جنگ یعنی برحسب زمان و مکان و حاصلت آن تغییر می پذیرد . اگر عامل زمان را در نظر بگیریم ، می‌بینیم که جنگ و قوانین هدایت جنگ با زمان رشد مییابند ؛ هر مرحله تاریخی دارای ویژگیهای خاص خود است و از ایترو قوانین جنگ نیز در هر مرحله تاریخی دارای ویژگیهای

۸

این تمام مطلب نیست ، اگر فرماندهی که در ابتدا فقط قادر به فرماندهی يك واحد کوچک بوده‌است ، بتواند لیاقت فرماندهی يك واحد بزرگتر را پیدا کند ، این نشانه پیشرفت و ترقی او خواهد بود . میان فرماندهی در يك محل معین و یا در چند محل مختلف شرایط نیز فرق و تفاوت هست . بهین ترتیب اگر فرماندهی که در آغاز فقط قادر به عمل کردن در يك محل آشنا بوده ، اکنون بتواند در محلهای متعدد عمل کند ، این نیز نشانه پیشرفت و ترقی او خواهد بود . شرایط در مراحل مختلف يك جنگ مشخص نیز در اثر تکامل تکنیک ، تاکتیک و استراتژی دشمن و ما تغییر میپذیرد . اگر فرماندهی که ابتدا لیاقت فرماندهی جنگ را در مرحله ابتدائی آن داشته ، اینک بتواند جنگ را در مرحله عالی‌تر آن فرماندهی کند ، این نشانه پیشرفت و ترقی باز هم بیشتر او خواهد بود . اگر يك فرمانده فقط قادر به فرماندهی واحد با حجم معین ، در محل معین و یا در مرحله معینی از تکامل جنگ باشد ، معلوم میشود که هیچ پیشرفت و

میسازند و اگر بخود اجازه هیچگونه دخل و تصرف در آنها را ندهیم و عیناً آنها را کپی کرده و مورد استفاده قرار دهیم ، باز در حکم آن خواهد بود که بخواهیم "با را اوه کنیم تا اندازه کفشی شود" ؛ این کار نیز ما را بشکست میکشاند . این اشخاص در توجیه نظر خویش میگویند : جنگ ما ، مانند جنگ اتحاد شوروی ، جنگی است انقلابی و اتحاد شوروی در جنگ خود پیروز شده‌است ، بنابر این چگونه میتواند شق دیگری بجز پیروی از الگوی شوروی وجود داشته باشد ؟ آنها درک نمیکنند که ما گرچه باید برای تجربه نظامی اتحاد شوروی ، از آنجهت که تجربه تازه‌ترین جنگ انقلابی است ، تجربه‌ایست که تحت رهبری لنین و استالین بدست آمده ، ارزش خاصی قابل شویم ، اما از سوی دیگر به تجربه جنگ انقلابی چین نیز باید ارج بگذاریم ، زیرا در اینجا عوامل بسیاری هست که خاص انقلاب چین و ارتش سرخ چین میباشد . بعضی‌ها باز نظر نادرست ثالثی دارند که بهمین ترتیب از مدتها پیش از طرف ما رد شده‌است . آنها

۷

خاص خود هستند و نمیتوانند بطور مکانیکی از يك مرحله به مرحله دیگر منتقل شوند . اگر جنگ را از لحاظ حاصلت آن در نظر بگیریم ، می‌بینیم که چون جنگ انقلابی و جنگ ضد انقلابی هر دو دارای ویژگیهای خاص خود هستند ، قوانین حاکم بر آنها نیز هر يك ویژگیهایی دارد که نمیتواند بطور مکانیکی از یکی بدیگری منتقل گردد . اگر عامل مکان را در نظر بگیریم ، می‌بینیم که چون هر کشور یا ملتی وبخصوص هر کشور یا ملت بزرگی دارای ویژگیهای خاص خود است ، قوانین جنگ نیز برای هر کشور یا ملتی متمم ویژگیهای خاص خود است که بهمین ترتیب نمیتواند بطور مکانیکی از یکی بدیگری منتقل گردد . ما در مطالعه قوانین هدایت جنگهایی که در مراحل مختلف تاریخی روی میدهند و دارای حاصلت‌های مختلف بوده و در سرزمینهای مختلف و توسط ملت‌های گوناگون برپا میشوند ، باید توجه خود را به ویژگیها و تکامل این قوانین معطوف داشته و با برخورد مکانیکی نسبت بمسئله جنگ مبارزه کنیم .

۹

ترقی نکرده‌است . بعضی‌ها بعلمت اینکه از سهارت خود در يك زمینه خوشنود میشوند و بدید محدود خویش اکتفا میکنند ، هرگز پیشرفتی نائل نمیابند ؛ آنها میتوانند در مکلن و در زمان معینی نقشی در انقلاب داشته باشند ، ولی رویهمرفته نقش مهمی نخواهند داشت ؛ ما نیازمند فرماندهانی هستیم که بتوانند در رهبری جنگ نقش مهمی ایفا کنند . کلیه قوانین هدایت جنگ ، برحسب تکامل تاریخ و تکامل خود جنگ رشد مییابند ؛ هیچ چیزی در جهان تغییرناپذیر نیست .

۲ - هدف جنگ برانداختن جنگ است

جنگ ، این هیولای کشتار انسانها بدست یکدیگر ، سرانجام در اثر تکامل جامعه بشری از میان خواهد رفت ، و حتی در آینده‌ایکه چندان دور نیست ، از میان خواهد رفت . ولی برای برانداختن جنگ فقط يك راه موجوداست : بوسیله جنگ یا جنگ مقابله کردن ؛ بوسیله جنگ انقلابی یا جنگ ضد انقلابی مقابله کردن ؛ بوسیله جنگ

انقلابی ملی با جنگ ضد انقلابی ملی مقابله کردن ؛
 بوسیله جنگ انقلابی طبقاتی با جنگ ضد انقلابی طبقاتی
 مقابله کردن . تاریخ فقط دو نوع جنگ دیده‌است -
 جنگ عادلانه و جنگ غیرعادلانه . ما موافق جنگهای
 عادلانه و مخالف جنگهای غیرعادلانه هستیم . کلیه
 جنگهای ضد انقلابی غیرعادلانه‌اند ، کلیه جنگهای
 انقلابی عادلانه‌اند . ما عاقبت با دستان خود بدوران
 جنگها در حیات بشر پایان خواهیم داد و بدون شك جنگی
 که ما اکنون در گیر آیم ، بخشی از این پیکار نهائی
 است . ولی بدون تردید جنگی که در مقابل ما قرار
 گرفته ، بخشی از بزرگترین و بیرحمانه‌ترین جنگهاست .
 بزرگترین و بیرحمانه‌ترین جنگهای غیرعادلانه ضد انقلابی
 در کمین ما نشسته‌است ؛ اگر ما درفش جنگ عادلانه را
 برافرازیم ، مصیبتی خانمانسوز گریبانگیر اکثریت عظیم
 بشریت خواهد شد . درفش جنگ عادلانه بشریت درفش
 نجات بشریت است ، درفش جنگ عادلانه چن درفش
 نجات چن است . جنگی که قسمت اعظم بشریت و

۱۲

جهان را دربر گیرد ، ممکن‌است سراسر يك کشور را
 دربر گیرد ، ممکن‌است يك منطقه مستقل پارتیزانی و یا
 يك جبهه مستقل و وسیع عملیاتی را دربر گیرد . هر
 وضع جنگی که محاسبه تمام جنبه‌ها و مراحل گوناگون
 آنرا اجباب کند ، وضع کلی جنگ را تشکیل میدهد .
 وظیفه علم استراتژی مطالعه آن قوانین هدایت
 جنگ است که بر وضع کلی جنگ مسلطند . وظیفه علم
 عملیات اپراتیو (۲) و علم تاکتیک مطالعه آن قوانین
 هدایت جنگ است که بر بخشی از وضع جنگی مسلطند .
 چرا باید فرمانده عملیات اپراتیو یا تاکتیکی تا
 حدودی از قوانین استراتژی سر رشته داشته باشد ؟ برای
 اینکه در اثر درک کل بهتر بتواند در جزء عمل کرد ، زیرا
 جزء تابع کل است . این نظر که پیروزی استراتژیک تنها
 در اثر کامیابیهای تاکتیکی بدست می‌آید ، نظری اشتباه‌آمیز
 است ، زیرا این واقعیت را نادیده می‌گیرد که پیروزی
 یا شکست جنگ بطور عمده و در درجه اول وابسته بطرز
 محاسبه وضع کلی و مراحل گوناگون آنست . اگر در

۱۴

موقعیتهای مذکور دارای اهمیت قاطع نبوده‌اند . اما شکست
 اکثر عملیات اپراتیوی که وضع کلی جنگ را تشکیل
 میدهند و یا شکست يك یا دو عملیات اپراتیو تعیین کننده ،
 وضع کلی را فوراً عوض میکند . در اینجا «اکثر عملیات
 اپراتیو» و یا «يك یا دو عملیات اپراتیو» تعیین کننده‌اند .
 در تاریخ جنگها دیده شده‌است که پس از يك سلسله
 پیروزیها ، شکست در يك نبرد بتنهائی باعث از
 دست رفتن کلیه دستاوردهای قبلی شده‌است ، و یا پس از
 شکست‌های متعدد ، پیروزی در يك نبرد تنهائی موجب
 پیدایش وضع نوین گشته‌است . در موارد فوق‌الذکر
 «يك سلسله پیروزیها» و یا «شکستهای متعدد» فقط
 خصالت جزء داشته و هیچ نقش تعیین کننده‌ای در
 مجموع اوضاع بازی نمی‌کردند ، در صورتیکه بعکس ،
 «شکست در يك نبرد تنهائی» و یا «پیروزی در يك نبرد
 تنهائی» دارای نقش تعیین کننده بودند . همه اینها
 دلالت بر اهمیت محاسبه مجموع اوضاع میکند . برای
 کسیکه فرماندهی کل عملیات را بر عهده دارد ، از همه

اکثریت قریب با اتفاق چینی‌ها درگیر آند ، بیشك جنگی
 عادلانه‌است ، اقدامی است نهایت اوزنده و افتخارآمیز ،
 اقدامی است که بشریت و چن را رهایی می‌بخشد ، ملی
 است بسوی دوران جدیدی از تاریخ جهان . وقتیکه
 جامعه بشری بان نقطه از پیشرفت رسد که طبقات و دولتها
 زوال یابند ، دیگر هیچ جنگی در میان نخواهد بود - نه
 جنگ ضد انقلابی و نه جنگ انقلابی ، نه جنگ غیر
 عادلانه و نه جنگ عادلانه - و این عصر صلح جاودان
 بشریت خواهد بود . علاقه ما به مطالعه قوانین جنگ
 انقلابی از آرزوی ما در برانداختن همه جنگها ناشی
 میشود و درست در همین جاست که وجه تمایز بین ما
 کمونیستها و تمام طبقات استثمارگر نمایان میگردد .

۳ - استراتژی مطالعه قوانین تسلط بر وضع کلی جنگ است

هر جا که جنگی در می‌گیرد ، يك وضع کلی جنگ
 نیز پدید میگردد . وضع کلی جنگ ممکن‌است سراسر

۱۳

محاسبه وضع کلی و مراحل گوناگون آن نواص و یا
 اشتباهات فاحشی روی دهند ، جنگ بطور حتم بشکست
 می‌انجامد . وقتیکه گفته میشود : «يك حرکت حساب
 نشده باعث باخت تمام بازی میشود» ، منظور آن حرکتی
 است که در وضع کلی تأثیر میگذارد ، یعنی حرکتی که
 برای مجموع اوضاع تعیین کننده‌است ، نه آن حرکتی که
 فقط خصالت جزء دارد و برای مجموع اوضاع تعیین
 کننده نیست . آنچه که در شطرنج صادق است ، در
 مورد جنگ هم صادق میکند .

اما وضع کلی نمیتواند مستقل و منفک از اجزاء خود
 باشد ، چه وضع کلی از مجموعه اجزاء خویش تشکیل
 می‌یابد . گاهی ممکن‌است بعضی از اجزاء بدون اینکه
 در وضع کلی تأثیر جدی بگذارند ، دچار انهدام یا شکست
 شوند ، زیرا که این اجزاء برای وضع کلی تعیین کننده
 نبوده‌اند . اغلب اتفاق میافتد که در عملیات تاکتیکی یا
 اپراتیو بعضی شکستها و یا عدم موفقیتها منجر به اختلال
 در وضع کلی جنگ نمیشوند ، زیرا شکستها و عدم

۱۵

مهمتر عطف توجه به محاسبه وضع کلی جنگ است .
 نکته عمده اینستکه او باید کلیه مسایل مربوط به
 سازماندهی واحدها و فرسایشون‌های نظامی خود ، ارتباط
 میان عملیتهای اپراتیو مختلف ، ارتباط میان مراحل
 مختلف يك عملیات ، ارتباط میان مجموع فعالیت
 اردوگاه خودی و مجموع فعالیت اردوگاه دشمن را برحسب
 شرایط موجود در نظر بگیرد - همه اینها مستلزم بذل
 دقت و کوشش بیشتر اوست و چنانچه او این مسایل را
 از دیده فرو گذارد و خود را با مسایل درجه دوم مشغول
 سازد ، بسختی میتواند از شکست برکنار بماند .

رابطه میان کل و جزء نه تنها در مورد رابطه بین
 استراتژی و فن عملیات اپراتیو بلکه در مورد رابطه میان
 فن عملیات اپراتیو و تاکتیک نیز صادق است . مثال
 عملی آن عبارتست از رابطه میان عملیات يك لشکر و
 عملیات هنگها و گردانهایش ، یا رابطه میان عملیات
 يك گروهان و دسته‌ها و جوخه‌هایش . فرمانده ، در هر
 مقامی که باشد ، باید توجه خود را بمسایل یا عملیاتی

۱۷

۱۶

معطوف سازد که در مجموع وضعیتی که در حیطه مسئولیت اوست ، سهمترین و قاطع‌ترین نقش را ایفا میکنند ، و نه بمسائل یا عملیات دیگر .

برای تعیین اینکه چه چیز مهم و یا تعیین کننده است ، نباید شرایط عمومی یا مجرد را مأخذ گرفت ، بلکه باید شرایط مشخص را مبداء بررسی قرار داد . در هر عملیات نظامی سمت و نقطه هجوم را باید طبق وضعیت دشمن ، موقعیت زمین و قدرت نیروهای خودی در همان لحظه انتخاب کرد . در مناطقی که خواربار فراوان است ، باید مراقب بود که سربازان پرخوری نکنند و در مناطقی که خواربار کافی نیست ، باید توجه کرد که سربازان گرسنه نمانند . در مناطق سفید درز کردن حتی کمی اطلاعات ممکن است موجب شکست پیکار بعدی گردد ، حال آنکه این امر در مناطق سرخ غالباً مسئله زیاد جدی نیست . در بعضی تیردها ضرور است که فرماندهان عالیرتبه شخصاً در آنها شرکت کنند ولی در برخی دیگر چنین ضرورتی ندارد . در يك مدرسه نظامی مهمترین

مسئله عبارت است از انتخاب مدیر و معلم و تعیین رهنمود آموزشی . در مورد يك میتینگ توده‌ای توجه عمده را باید به بسیج توده‌ها برای شرکت در آن و طرح شعارهای مناسب معطوف داشت ، و غیره وغیره . در يك کلام ، اصل کلی اینستکه باید توجه را روی آن حلقه‌های مهمی متمرکز ساخت که مجموع اوضاع وابسته بآنهاست .

در مطالعه قوانین مسلط بر وضع کلی جنگ تفکر و تعمق لازم میآید . زیرا آنچه که با مجموع اوضاع در ارتباط است ، با چشم قابل رؤیت نیست و انسان نمیتواند آنها در یابد مگر آنکه عمیقاً درباره‌اش بیاندیشد ؛ راه دیگری موجود نیست . اما از آنجا که کل مرکب از جزء است ، کسیکه در جزء تجربه دارد ، در عملیات اهراتو و در تاکتیک تجربه دارد ، میتواند مسایل عالیتری را بفهمد مشروط باینکه واقعاً بخواهد عمیقاً درباره آنها بیاندیشد . مسایل استراتژی شامل مراتب ذیلند :

در نظر گرفتن رابطه میان دشمن و خودی ؛

در نظر گرفتن رابطه میان عملیاتهای اهراتو مختلف و یا میان مراحل مختلف یک عملیات ؛
در نظر گرفتن آن عناصری که در مجموع اوضاع مؤثرند (نقش تعیین کننده دارند) ؛
در نظر گرفتن جنبه‌های ویژه اوضاع عمومی ؛
در نظر گرفتن رابطه میان جبهه و پشت جبهه ؛

در نظر گرفتن تفاوت و ارتباط میان تلفات و فرسایش ، نبرد و استراحت ، تمرکز و پخش نیروها ، حمله و دفاع ، پیشروی و عقب نشینی ، استتار و انکشاف ، حمله عمده و حمله کمکی ، هجوم و تثبیت ، تمرکز و عدم تمرکز فرماندهی ، جنگ طولانی و جنگ زودفرجام ، جنگ موضعی و جنگ متحرک ، نیروهای خودی و نیروهای دوست ، این رسته و آن رسته ، رئیس و مرئوس ، کادرها و سپاهیان ، سربازان باسابقه و سربازان جدید ، کادرهای مافوق و کادرهای مادون ،

کادرهای باسابقه و کادرهای جدید ، مناطق سرخ و مناطق سفید ، مناطق سرخ قدیم و مناطق سرخ جدید ، مناطق مرکزی و مناطق مرزی ، موسم گرما و موسم سرما ، پیروزی و شکست ، واحدهای بزرگ و واحدهای کوچک ، ارتش منظم و واحدهای پارتیزانی ، نابودی دشمن و جلب توده‌ها ، توسعه صفوف ارتش سرخ و تحکیم آن ، کار نظامی و کار سیاسی ، وظایف گذشته و وظایف کنونی ، وظایف کنونی و وظایف آینده ، وظایف در این یا آن شرایط ، جبهه ثابت و جبهه غیرثابت ، جنگ داخلی و جنگ ملی ، این مرحله تاریخی و آن مرحله تاریخی وغیره ؛

هیچیک از این مسایل استراتژی را نمیتوان با چشم مشاهده کرد ، معدک اگر انسان عمیقاً بیاندیشد ، میتواند همه این مسایل را روشن سازد ، در یابد و بر آنها مسلط گردد . بسخن دیگر میتوان کلیه مسایل مهم جنگ یا عملیات نظامی را بسطوح عالی‌تر اصول

ارتقا داد و در آنجا حل کرد . وظیفه مطالعه مسایل استراتژی نیل باین هدف است .

دیگر گاه روزانه‌ها ...

<http://rouzaneha.org/GahRouzaneh/DigarGahRouzaneha.htm>

از نگاه فریدون ایل‌یگی



[فریدون ، دانشی که رفت ...](#)

[کالری عکس](#)

[نوشته‌ها و ترجمه‌های پراکنده](#)

[انظر نوشته‌های سیاسی](#)

[رویدادهای ایران و جهان در امروز](#)

[ایران در نشریات فرانسوی زبان](#)

[نما](#)

[آوا](#)

[کتاب و نشریه](#)

[عکسهای شاعران و نویسندگان و ...](#)

[از نگاه دیگران](#)

